

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۱۱ می ۲۰۱۴

مکتی بر اراجیف و لولو گری یک جاسوس خلقی،

«داکتر» غفور ثنا!

«داکتر» غفور ثنا مشهور به «غف» شهروند کشور «هالنند» و مسؤول بیت الخلالی «پیام آزادی» می باشد که تحت اسم «پولاد» جفنگ سرائی و لجن پراگنی می نماید. این فرد طماع، حریص و نهایت سست عنصر، بیشتر از چهل سال عضویت «حزب دمکراتیک خلق افغانستان» را داشته و برای استخبارات رژیم شاهی، جمهوری ۲۶ سرطان و «جمهوری دمکراتیک» ضد خلق، جاسوسی کرده است. «داکتر» غفور ثنا مشهور به «غف»، رفیق حزبی و رفیق خلقی مشهور «داکتر کریم زرغون» بود و روز ها و شب ها را در گوشه دنجی با وی خلوت می کرد. قرار گزارشات محلی و شاهدان عینی از «هرات» باستان، فامیل «داکتر» غفور ثنا مشهور به «غف»، از مدت های مدیدی بدینسو در کسب و کاسبی قاچاق آدم و تجارت و قاچاق تریاک مشغول بودند و روی همین علت ملموس و غیر انتزاعی، مسأله ناموسداری و شرافت و احترام گذاشتن و ارج نهادن به ناموس و شرافت دیگران برای شان کوچکترین ارزش و بهائی نداشته و ندارد.

«داکتر» غفور ثنا مشهور به «غف» در «پشاور» و «گلران» دست به اعمال ننگین و شرم آوری زده است که بعد از تحقیقات دامنه دار، راپورش را در خدمت خوانندگان قرار خواهیم داد. «داکتر» غفور ثنا مشهور به «غف» در ۱۴ سال تمام اقامتش در پاکستان در سه دفتر (انجو) های صد در صد امپریالیستی به کار گماریده شده و از دل و جان خدمت نموده است. گرچه پالان خلقی گری اش را در جائی محفوظ نگهداشته و نقاب شعله ئی بر رخسار زردش کشیده است، ظاهراً تحت اسم مستعار «پولاد» از طریق بیت الخلالی «پیام آزادی» به رهبران جریان شعله ئی و رهبران جنبش انقلابی ضد استعمار «شوروی» توهین می کند.

وی در ۱۴ سال اقامتش در «پاکستان» در خانه اش، به مثابه یک پوشش جهت فعالیت های استخباراتی اش، معاینه خانه شخصی داشت و تحت همین پوشش عوامل خادی را ملاقات می کرد و گزارش فعالیت های انقلابیون و محل اقامت شان را برای (خاد) کابل و استخبارات پاکستان می داد. همسر محترم و مکرمه شان در «مکتب» تدریس می کرد و اما از نوع مکتب اطلاعی کامل نداریم و هم مطلع و واقف نیستیم که او شان چه مضمون و یا «هنر»ی را تدریس می نمودند. در همین مدت اقامت «غف» ده ها شعله ئی انقلابی و دمکرات و ده ها عنصر ملی و وطنپرست در «پاکستان» بالاخص در «پشاور» ترور شدند؛ مگر «پولاد» من حیث یک جاسوس اکسا، کام و خاد که زیر پوشش اخگری،

پیکاری و شعله‌ئی زندگی و در کمال رفاه و آسایش و با مصونیت به سر می برد. زنده یاران «پروفیسر قیوم رهبر»، «داکتر فیض احمد»، «مینا»ی قهرمان و..... از طرف استخبارات کابل و پاکستان در تیبانی با باند «گلبدین» جان می بازند و اما «مارموسک» در هائی آس آس، «شیخ آصف» و «صبغت الله مجددی»، (کشال) می ماند و بعد در کمال آرامش به «هالند» تشریف می برد!

یک مسأله مهمی را که باید گفت، رفیق «سهراب سلطان» از زد و بند هائی «داکتر» غفورثنا مشهور به «غف» اطلاع داشت و نظر به شرایط اختناق خاموش مانده بود. اما «غف» می دانست که روزی جل و پوستکش از آب بیرون می گردد، بناءً تصمیم می گیرد تا به زندگی «رفیق سلطان» خاتمه بخشد که چنان هم کرد!

«غف» چنین جف می زند:

"آن تعداد از این شعله ایهای [شعله ئی ها] که دارای سطح آگاهی و دانش تئوریک انقلابی نازلی بودند و جذب "ساما" شدند، سرنوشت غم انگیز و فرجام خیلی خطرناکتری از اعضای "سازمان رهائی" داشتند. و آن این بود که: بعد از اعدام مجید فقید توسط دولت جنایتکار خلقی [-] پرچمیها [پرچمی] و سوسیال امپریالیستهای روسی [،] رهبری «ساما» در پرتگاه تسلیمی به دولت مزدور [مزدور] خلقی [،] پرچمیها [پرچمی] و سوسیال امپریالیستهای روسی غلطید [غلطید] و با ارتش دولت دست نشانده پروتوکول امضا [امضاء] کرد و با ارتش دولت مزدور و ارتش متجاوز روسی و (خاد) رژیم مزدور همکاری کرده و جنگ را علیه تنظیمهای ارتجاعی اسلامی (که اکثریت نیروهای جنگی آنها را توده های خلق ناآگاه تشکیل میدادند) به پیش برد".

«داکتر» غفورثنا مشهور به «غف» بعد از ۷۰ سال عمر و بیشتر از ۴۰ سال عضویت در «حزب دمکراتیک خلق افغانستان»، ۱۴ سال خدمت به (انجو) های امپریالیستی از سطح آگاهی و دانش تئوریک خیلی نازلی برخوردار بوده و هنوز هم در این دوران به لب گور رسیدن، املاء، انشاء و دستور زبان را نیاموخته است. (خر عیسی گرش به مکه برند- چون بیاید هنوز خر باشد).

«داکتر» غفورثنا مشهور به «غف» که زمانی توانست با مهارت یک جاسوس با تجربه خودش را در رأس «سازمان اخگر» و «سازمان پیکار» برساند، کوشش دارد تا جفنگ های تکراری اش را باز هم تکرار کند که با حقیقت تفاوت آشکار دارد و اما هیچ گاهی نمی گوید که چگونه سازمان های «اخر» و «پیکار» را در کام نهنگ (خاد) انداخت و سند تسلیمی را با (خاد) دولت مزدور به امضاء رسانید و چگونه «ست و لغت» به پاکستان انتقال داده شد؟

کادر ها و رهبران و صفوف دیگر سازمان های انقلابی جوقه جوقه اعدام گشتند و اما رهبر «مائونیست» ها و «رهبر جنبش انقلابی پرولتری» زنده می ماند؟!!

قرار اطلاع در زمان کودتای زنازادگان خلقی و پرچمی و تجاوز سوسیال امپریالیسم «شوروی» حتی به یک مرغ فامیل، قوم و خویش «داکتر» غفورثنا مشهور به «غف» کوچکترین خسارتی نرسیده است. این که حالا ظاهراً خودش را ضد روس ها و پادوهای داخلی اش می پندارد، این یک تاکتیک سیاسی مهندسی شده در زراد خانه «ک ج ب» می باشد. بناءً «غف»، یک موجود بی غیرت، بی شرف و ریاکار بوده، دروغ و دروغگوئی، بر چسب زدن و دوسیه سازی از وظایف عمده و اصلی اش بوده و دروغ گفتن و تهمت بستن ورد زبان نجسش شده است. او هرگز شعله ئی و انقلابی نبوده، فقط برای گرفتن موقعیت انقلابی، اخذ هویت و کسب اعتبار سیاسی خودش را شعله ئی معرفی می داشت و می دارد. اگر ما وی و همقمایشان پسیف و کثیفش را رسوا و افشاء نمی ساختیم، بدون شک دعوی رهبری و بنیانگذاری (جریان دمکراسی نوین افغانستان-شعله جاوید) را نیز می کرد !!

این انسان فرومایه و دروغپرداز به دنبال آن نشخوار و بدون آن که از گندی که سازمان پیکار به وجود آورد، یعنی آن کسانی که از دید وی بی سویه و عقب مانده نبوده و همه از فرط دانش ترکیده بودند، و در داخل زندان پروتوکول

